امتیاز
روزنامه صبح ایران
یک‌شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۰ ● ۳ ربیع‌الاول ۱۴۴۳ ● ۱۰ اکتبر ۲۰۲۱
شماره ۳۲۹۵

خبر

روایتی از یک قهرمان گمنام

شهیدی که نمی‌خواست هرگز شناخته شود

وقت‌هایی هست که گاهی کلمه‌ها و چند روایت می‌شود کل آن چیزی که از یک انسان در این دنیا باقی مانده است. یادی که البته تا همیشه در دل همان راویان ادامه دارد و خواندن و شنیدن از آن پر از لطف است. مثل قصه شهدایی که گفتن از آنها تمامی ندارد و با گذشت سال‌های سال از رفتن‌شان هنوز کلی روایت فراموش شده و ناگفته دارند که می‌شود سراغ‌شان رفت و ثبت و ضبط‌شان کرد. در همین راستا تازگی غلامحسین باغانی در کتاب «نشانی از قهرمان بی‌نشان»، اثری از نشر «سوره مهر» از شهید محمد قهرمان گفته است. شهیدی که خودش سرپرست خودش بود و نشان چندانی از او وجود ندارد.

باغانی در مقدمه کتاب نوشته که در مورد پرداختن به شهید قهرمان ترس‌ها و نگرانی‌هایی داشت که او را درگیر تردید کرده بود. چرایی این نگاه موضوعی بود که آقای نویسنده در گفت و گویی که داشتیم درباره‌اش بیان کرد: مطالب و منابع کمی درباره شهید قهرمان وجود داشت و کسانی که از او خاطره داشتند هم محدود بودند. به همین جهت حتی یکی از مسؤولان حوزه هنری هم می‌گفت که با توجه به میزان منابع و اطلاعاتی که درباره ایشان وجود دارد، شما می‌توانید در حد کتابی برای نوجوانان از ایشان بنویسید اما ما به تحقیقاتمان ادامه دادیم و سرانجام دیدیم که می‌شود از دل همین منابع اثر نسبتاً کاملی را درباره ایشان بنویسیم.

داستانی شدن روایت‌ها در بعضی از قسمت‌های این اثر در کنار طنزی که گاه به چشم می‌خورد، اتفاقی است که باغانی با اشاره به آن گفت: در طول روایت این داستان، سعی کردم تا حدودی به فضای داستانی هم نزدیک شوم تا متن جذابیت‌هایی داشته باشد که بتواند خواننده را با خود همراه کند. چرا که تجربه نشان داده که روایت صرف از یک اتفاق به خودی خود جذابیت چندانی ندارد و لازم است تا در طول این دست روایت‌ها، تا حدی فضای داستانی را هم دخیل کنیم تا خواننده هر چه بهتر با داستان همراه شود. علاوه بر آن در روایت‌ها به دنبال این بودم که زندگی ساده و بی‌آلایش این شهید را به مردم هم نشان دهم. همچنین از آنجایی که شهید قهرمان شخصیت شوخ و گرمی داشت و همه می‌دانستند که او شوخ طبع است، فضای کتاب هم با طنزی همراه است که در کنار تراژدی پر از غم به شکلی آن را تلطیف می‌کند.

در بخش‌هایی از «نشانی از قهرمان بی‌نشان» ما شاهد اشاره‌های مستقیمی به فضای سیاسی آن روزها هستیم. باغانی در این باره سراغ مرور روزهایی رفت که با شهید قهرمان گذرانده بود. او با یادآوری این قصه در خصوص گفتن از چنین فضایی بیان کرد: من و محمد قهرمان هم کلاسی بودیم. او از همان زمان خودش سرپرست خودش بود و همه کارهایش را به تنهایی انجام می‌داد. همین باعث شده بود تا نسبت به خیلی از اتفاقات و مسائل گوناگون آگاهی داشته باشد، جریانی که باعث شد تا آن زمان او خیلی درگیر مسائل سیاسی شود. البته در آن مقطع جو به شکلی بود که هر کسی به شکلی خواه ناخواه سمت سیاست کشیده می‌شد و همیشه بحث‌های مختلفی در این فضا وجود داشت. من هم می‌خواستم آن جو را منعکس کنم که هم روایت‌ها کامل باشند و هم تصویر دقیقی را از آن روزها ارائه دهم.

علاوه بر اینها گفتن از همراهی این شهید با نوجوانان در جبهه‌ها هم موضوع دیگری است که در این خاطرات به چشم می‌خورد، جریانی که او درباره‌اش گفت: می‌توانم بگویم که «نشانی از قهرمان بی‌نشان» سراسر پر از نکات آموزنده است چرا که هر کسی با این شهید مواجه می‌شد از او درس‌های می‌آموخت که در این کتاب هم به بعضی از آنها اشاره کرده‌ام. شهید قهرمان در جبهه و یا پشت خط مقدم مدام حواسش به بقیه و به خصوص نوجوانان بود و این دقت در جزئی‌ترین موارد هم از او دیده می‌شد، مثلاً مراقب بود تا آنها (نوجوانان) همیشه غذا بخورند، اگر کاستی بود آن را برطرف می‌کرد و پدرانه روی بچه‌ها را می‌پوشاند و به آنها درس مهربانی می‌داد.

او افزود: من فکر می‌کنم که در روایت محمدعلی سحری توانستیم تا حد جالب توجهی از درس‌هایی که نوجوانان از محمد می‌آموختند، به وضوح بگوییم. در کنار این نگاه پرمهر او بسیار منضبط بود و این نکته برایش اهمیت داشت و به بقیه هم تذکر می‌داد. خلاصه آنکه در همه این لحظه‌ها سعی من این بود تا زندگی ساده و منظم او را در کنار ارتباطات گرمی که با آدم‌ها داشت را به تصور بکشم.

این نویسنده اتفاق خوب روایت‌ها را در این می‌بیند که سن و سال خیلی از راویان خاطرات از این شهید کم‌تر بوده، نکته‌ای که درباره‌اش عنوان کرد: من به دنبال آن بودم تا از دیدگاه نوجوانان به ایشان بگویم به همین دلیل بیشتر راویان زمانی که با محمد قهرمان همراه بودند، در همین رده سنی قرار داشتند. خیلی از آنها امروز که از محمد می‌گویند تاکید می‌کنند که انگار محمد هنوز با آنهاست و یاد محبت‌هایش همه جا همراه‌شان هست.

اینکه چرا «نشانی از قهرمان بی‌نشان» هم سوالی بود که در آخر باغانی در پاسخ به آن گفت: دنبال یک عنوان خوب برای کتاب بودم و در نهایت به این رسیدم و احساس کردم علاوه بر تأثیرگذاری، بخشی از شخصیت شهید قهرمان را هم نشان می‌دهد. او همیشه انسان مؤثری بود اما هیچ وقت به فکر نام و نشان نبود و سعی می‌کرد تا گمنام باشد. همان زمان‌ها هم هرگز نخواست تا خودش را به دیگران بقبولاند یا به قولی خودنمایی کند. در آخر هم تنها نشانی که از او باقی ماند انگشتری بود که بعد از مدت‌ها پیدایش کردند. القصه می‌توانم بگویم که این کتاب امروز تنها نشان باقی‌مانده از اوست. اثری که در لحظه به لحظه نوشتن آن محمد را کنارم حس می‌کردم و چهره او مدام جلوی چشمم بود، گویا او هم داشت می‌دید که من چه می‌نویسم.

چرا ۳۰ آبان روز حکمت و فلسفه و بزرگداشت فارابی شد؟

چندی پیش روزی در تقویم فرهنگی ایران به نام ابونصر فارابی، فیلسوف، موسیقی‌دان، نام گذاری شد. این رویداد فرهنگی از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی مطرح شده و بعد از تایید شورای فرهنگ عمومی و شورای عالی انقلاب فرهنگی توسط رئیس جمهوری قرار گرفت.

معاون پژوهشی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی با اشاره به ثبت روز ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان) به عنوان روز بزرگداشت فارابی در تقویم گفت: با توجه به این که روز ۲۱ نوامبر روز جهانی فلسفه است و نظر به شخصیت فارابی و این که معلم ثانی نامیده می شود، پیشنهاد ما این بود که همین روز را، روز حکمت و فلسفه به نام فارابی نام‌گذاری کنیم و به همین دلیل روز ۳۰ آبان، به عنوان روز ملی حکمت و فلسفه و بزرگداشت ابونصر فارابی از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی پیشنهاد و در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم مطرح و تصویب شد.

کاوه خورابه در توضیح این که چرا روز بزرگداشت فارابی، از سوی انجمن مفاخر به عنوان روز فلسفه ارائه شده است، گفت: یکی از دغدغه های مهم ما در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، بحث بازخوانی و بازشناسی و توجه به مفاخر و آثاری است که از آنها باقی مانده است، از این روخواهان مواجهه دائم با آنها هستیم.

وی افزود: بعضی شخصیت‌های ما، از جمله فارابی با توجه به تقسیم‌بندی‌های جغرافیایی امروز، شخصیت‌هایی چندفرهنگی یا میان‌فرهنگی شده‌اند. اما ما به عنوان کسانی که در حوزه اندیشه قلم می‌زنیم، دغدغه‌ای فراتر از مباحث محدود به مرزهای جغرافیایی، داریم.

درحقیقت ما با این گونه شخصیت‌ها به مثابه یک سرزمین یکپارچه فرهنگی سر و کار داریم و اینگونه به آنها نگاه می کنیم. این شخصیت‌ها را باید در گستره ایران‌فرهنگی ببینیم، گویی که همچنان یکپارچگی را حفظ می‌کنیم و به این مرزهای جغرافیایی که به ویژه در حدود یک سده اخیر شکل گرفته، توجه نداریم.

معاون انجمن آثار و مفاخر فرهنگی اضافه کرد: از جمله شخصیت‌هایی که چنین ویژگی‌هایی دارد، ابونصر فارابی است که می‌دانیم چه شخصیت تاثیرگذاری بوده است؛ به ویژه در دو حوزه مهم اندیشه ایرانی یعنی حکمت و فلسفه و موسیقی. همانطور که لقب معلم اول را به ارسطو داده اند، به درستی واژه معلم ثانی به فارابی منسوب شده، او این لقب را در تاریخ از آن خود کرده است.

فارابی در موسیقی و فلسفه، سرآمد است

این پژوهشگر اظهار کرد: تالیفات فارابی در حوزه حکمت و فلسفه تأثیر شگرفی داشته است و به همین دلیل شخصیت‌هایی چون رضا داوری اردکانی (فیلسوف، رئیس فرهنگستان علوم ایران)، در مجموعه تحقیقات خود، از فارابی به عنوان موسس فلسفه اسلامی نام می‌برد که درحقیقت صاحب مشرب و مکتب فلسفی نیز هست. از سوی دیگر فارابی با تالیف اثری بسیار مهم به نام الموسیقی الکبیر، تاثیر خود را در این دانش مهم تا امروز بر جای گذاشته است. از نظر کمی و کیفی این اثر بزرگترین اثر موسیقایی جهان اسلام و ایران و همچنان از اهمیت ویژه‌ای برخودار است و در رسالات و متون مختلف موسیقایی تا همین امرو حضور بسیار پررنگی دارد.

وی ادامه داد: با رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، گفت وگوهایی داشتیم که ما هم به سهم خود درباره فارابی کار ویژه‌ای انجام دهیم. یکی از ایده‌ها این بود که روز فارابی را در تقویم ملی ایران به ثبت برسانیم و به بهانه این مهم، نشست‌هایی هم به نام این مفخر ایرانی برگزار و دستاوردهای علمی و فرهنگی او را بررسی کردیم تا به صورت گسترده تر به جامعه و نسل جدید منتقل شود.

خورابه روند تایید این روز ملی را این گونه تشریح کرد: استقبال ریاست انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از این موضوع سبب شد تا در قالب نامه ای به شورای فرهنگ عمومی کشور پیشنهاد شود با توجه به اهمیت و جایگاه و اهمیت حکمت و فلسفه، روزی به عنوان بزرگداشت فارابی در تقویم ملی ثبت شود و خوشبختانه این موضوع تایید شد. نکته بعدی این بود که چه روزی مناسب است؟ و متاسفانه یکی از ضعف‌های تاریخی ما این است که درباره تولد، درگذشت یا اتفاقات خاص زندگی بزرگان اطلاعات دقیق نداریم، تنها سال تولد یا وفات آن را می دانیم که آن هم گاهی با اختلاف نظرهایی همراه است. هر چه جست و جو کردیم تاریخ روز تولد یا درگذشت فارابی را از یک سند معتبر پیدا نکردیم.

در نهایت با توجه به این که روز ۲۱ نوامبر روز جهانی فلسفه است و نظر به شخصیت فارابی و این که معلم ثانی نامیده می شود، پیشنهاد ما این بود که در همین روز، روز حکمت و فلسفه را به نام فارابی نام گذاری کنیم و به همین دلیل روز ۳۰ آبان، به عنوان روز ملی حکمت و فلسفه و بزرگداشت ابونصر فارابی از سوی انجمن آثار و مفاخر فرهنگی پیشنهاد و در شورای عالی انقلاب فرهنگی هم مطرح و تصویب شد. ما هم ۳۰ آبان سال جاری، برنامه ای در خور برای ایشان برگزار خواهیم کرد و در یکی از فصلنامه های تخصصی انجمن نیز به فارابی خواهیم پرداخت.

همه بزرگان ایران فرهنگی، باید ارج نهاده شوند

خورابه در توضیح این که به جز فارابی، بزرگداشت کدامیک از مفاخر را در برنامه های انجمن مفاخر دارند، اظهار کرد: ما در نامه نگاری هایی که داشتیم و فکر می کنیم دوستانی هم از نهادهای دیگر به این موضوع پرداخته بودند، برای روز موسیقی هم پیشنهاد دادیم و خوشبختانه نهادهای دیگر هم این پیشنهاد را دنبال کردند، مثلا روز مربوط به شخصیتی چون صفی‌الدین اُرموی که چهره مهم موسیقی کشور است و دو اثر مهم الادوار و رساله شرفیه اش در قرن هفتم نگاشته شده و در فرهنگ موسیقایی ترکی، فارسی و عربی اثرگذار بوده، روز مناسبی است. این مسئله در شورای انقلاب فرهنگی مطرح شده است. این روز مصادف با ششم بهمن ماه است که به قولی سالروز درگذشت اوست.

وی ادامه داد: پیگیر هستیم تا هر یک از مفاخر ایران که تاثیرگذاری عمیقی داشته اند و اندیشه آنان نیاز به بازخوانی و شناساندن بیشتر دارد، در تقویم فرهنگی ایران جای بگیرند و به نوبه خودمان در این زمینه تلاش خواهیم کرد.

خورابه، درباره نشست هایی که انجمن مفاخر در دوران کرونا، گفت: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی از بدو شروع این بیماری فراگیر تلاش کرده برنامه های خود را لغو نکند. معمولا نشست ها و برنامه های فرهنگی ما همیشه با حضور مخاطبان برگزار شده است. اما از آغاز کرونا، همه برنامه های ما به سمت برخط شدن رفت و در اکثر روزهای ملی نشست‌هایی را برگزار کرده ایم. روزهای ملی و بین المللی را از دست نداده ایم و همواره یاد بزرگان و مفاخر را زنده نگه داشته ایم، حتی زمانی که نشستی برگزار نشده است، با یک یادداشت یا یادبود، یاد و نام مفاخر را زنده وگرامی نگه داشته ایم.

ابونصر محمد بن محمد بن طرخان بن اوزلوغ فارابی (۲۵۹-۳۳۹ قمری)، از بزرگترین فلاسفه و دانشمندان ایرانی عصر طلایی اسلام است که در علم، فلسفه، منطق، جامعه‌شناسی، پزشکی، ریاضیات و موسیقی تخصص داشت. فارابی به مکتب نوافلاطونی تعلق داشت که سعی داشتند تفکرات افلاطون و ارسطو را با الهیات توحیدی هماهنگ کنند و در فلسفه اسلامی نیز از جمله اندیشمندان مشایی محسوب می‌شود. فارابی شرح‌های ارزشمندی بر آثار ارسطو نگاشته و به سبب همین او را معلم ثانی خوانده‌اند. برگرداندن آثاری از او به زبان لاتین به شهرت وی در مغرب زمین انجامید.

سال ۲۰۲۰، از سوی یونسکو، برای تقدیر از ابونصر فارابی، در نظر گرفته شده بود.

محمدمهدی سیدناصری نوشت؛

پیمان‌نامه‌های حقوق کودک چه می گویند؟

محمد مهدی سیدناصری، مدرس و پژوهشگر حوزه حقوق و روابط بین‌الملل و نویسنده کتاب‌هایی چون «مقررات حاکم بر معاملات اوراق بهادار در ایران و امارات»، «سازمان ملل متحد را بهتر بشناسیم: ۹۳ پرسش و پاسخ درباره‌ی سازمان ملل متحد به انضمام متن منشور سازمان ملل متحد»، «قتل ناشی از اشتباه در حقوق کیفری: ماهیت و ضمانت اجرای قتل ناشی از اشتباه در حقوق کیفری ایران»، «گروه ویژه اقدام مالی (FATF) را بهتر بشناسیم: ۴۸ پرسش و پاسخ درباره گروه ویژه اقدام مالی به زبان ساده» و «دیوان بین‌المللی دادگستری را بهتر بشناسیم: ۴۸ پرسش و پاسخ درباره دیوان بین‌المللی دادگستری به انضمام متن اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری» و مولف و مترجم چندین کتاب درباره حقوق کودک و... به مناسبت روز جهانی کودک یادداشتی را برای مهر ارسال کرده است که در ادامه آن را خواهید خواند:

کودکان آسیب‌پذیرترین گروه در هر جامعه‌ای هستند، بنابراین نباید از نیازهای آنها به سادگی عبور کرد. روز کودک در سراسر جهان انگیزه‌ای برای توجه به حقوق کودکان است. روز جهانی کودک روزی است که برای تجلیل از کودکان به رسمیت شناخته شده است. این روز در کشورهای مختلف در تاریخ‌های مختلف جشن گرفته می‌شود. این روز در ایران هر ساله ۸ نوامبر و ۱۶ مهرماه برگزار می‌شود و برای این مناسبت یک هفته را به عنوان هفته ملی به کودکان اختصاص داده‌اند.

تاریخچه روز جهانی کودک، به‌طور رسمی به سال‌های پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد که با شعله ور شدن آتش جنگ جهانی دوم، میلیون‌ها کودک در سرتاسر جهان گرفتار رنج‌های بی پایان شدند. هزاران کودک در اردوگاه‌های مرگ جان سپردند، صدها هزار کودک در بمباران‌های شهرها و مراکز غیر نظامی دفن شدند و صدها هزار کودک معلول و بی سرپرست و بی خانمان از آتش ویرانگر جنگ بر جای ماندند. سازمان آمریکایی برای رفاه کودکان، در سال ۱۹۵۲ میلادی سازمان ملل متحد را فراخواند تا روزی را به عنوان روز جهانی کودک برگزار کند. بر اساس مصوبه جهانی سازمان ملل، کشورهای مختلف یک روز را به نام کودک انتخاب کرده و همه ساله آن روز را با هدف توجه دادن جامعه به مسائل کودک جشن می‌گیرند.

مبتکران برگزاری روز جهانی کودک سه هدف عمده را دنبال می‌کردند: دفاع از حقوق کودکان، تشویق دوستی میان نوجوانان جهان و متعهد کردن دولت‌های جهان برای پشتیبانی از فعالیت‌های یونیسف. قرار شد هر کشوری، روزی را به این مناسبت اختصاص دهد. خود سازمان ملل این روز را هر سال در تاریخ ۲۰ نوامبر جشن می‌گیرد. اکنون این روز در نزدیک به ۱۵۰ کشور جهان برگزار می‌شود. روز آن با توجه به سنت‌ها و منطقه‌ها متفاوت است.

در ایران نیز جلسه‌ای با حضور نمایندگان وزارت آموزش و پرورش، سازمان بهزیستی، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و برخی دیگر از نهادها تشکیل شد که در نهایت ابتدا منجر به انتخاب روز ۹ اکتبر به عنوان روز جهانی کودک می‌شود که در ادامه این تاریخ، به ۸ اکتبر برابر با ۱۶ مهرماه تغییر می‌کند.

تصمیم این گروه به دفتر یونیسف در ایران اطلاع و به عنوان روز جهانی کودک در ایران به رسمیت شناخته می‌شود. در ادامه نیز شورای فرهنگ عمومی این روز را تصویب می‌کند که به تقویم رسمی کشور اضافه می‌شود. مصوبه شورای فرهنگی عمومی نیز در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۷۶ و در جلسه ۴۰۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب این شورا رسید. بعد از برگزاری جلسه‌هایی، مسئولیت دبیرخانه این ستاد از سال ۱۳۹۳ به عهده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سپرده می‌شود.

حقوق کودک در اسناد و قوانین بین المللی

پیمان‌نامه حقوق کودک یک کنوانسیون بین‌المللی است که حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان را بیان می‌کند. دولت‌هایی که این معاهده را امضا کرده‌اند موظف به اجرای آن هستند و شکایت‌های راجع به آن به کمیته حقوق کودک سازمان ملل متحد تسلیم می‌شود. این کنوانسیون در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹ میلادی مورد پذیرش مجمع عمومی سازمان ملل متحد قرار گرفت و از ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ میلادی (سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم‌الاجرا شده است. تاکنون ۱۹۳ کشور (تمام اعضای سازمان ملل متحد به جز ایالات متحده آمریکا و سومالی) این سند را امضا کرده‌اند و در ۱۴۰ کشور اجرا می‌شود و به این ترتیب مقبول‌ترین سند حقوق بشر در تاریخ است.

محتوای پیمان‌نامه حقوق کودک چیست؟

کودک بر اساس ماده یک پیمان‌نامه حقوق کودک به هر انسان کمتر از ۱۸ سال گفته می‌شود. مگر آنکه قانون قابل اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد. این کنوانسیون شامل ۵۴ ماده و دو پروتکل اختیاری بوده که چهار اصول پایه‌ای آن را جهت می‌دهد:

۱. هیچ کودکی نباید از تبعیض رنج ببرد.

۲. زمانی که در رابطه با کودکان تصمیم‌گیری می‌شود، باید منافع عالیه آنان در رأس قرار گیرد.

۳. کودکان حق حیات داشته و باید رشد کنند.

۴. کودکان حق دارند آزادانه عقاید و نظرات خود را ابراز کنند و این نظرات در تمامی اموری که به آنها مربوط می‌شود، باید مورد توجه قرار گیرد.

حقوق کودکان در دنیای دیجیتال

امروزه رشد سریع دنیای دیجیتال، فضای سایبری و نفوذ و تأثیر استفاده از فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات بر زندگی انسان‌ها به‌خصوص کودکان بسیار چشمگیر است. در کنار آن شیوع ویروس کرونا و افزایش استفاده از فضای مجازی که نقش مؤثری در تولید، انتشار و انتقال اطلاعات داشته است، سطح دسترسی به محتوای

آنلاین را برای اقشار مختلف جامعه از جمله کودکان افزایش داده است. در عین حال این شرایط بستری برای محدود شدن یا نقض حقوق افراد ایجاد کرده است. در این میان حقوق کودکان به عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه بیشتر در معرض تعرض و سوء استفاده است. کودکان امروز زمان زیادی را برای فعالیت‌های آموزشی، تفریحی و سرگرمی در اینترنت و دنیای دیجیتال سپری می‌کنند و در معرض خطرات و تهدیدات بسیاری نیز قرار می‌گیرند. در این فضا که آسیب‌های متعددی کودکان و نوجوانان را در فضای مجازی تهدید می‌کند، موضوع صیانت از حقوق کودک و نوجوان در فضای مجازی، مسئله‌ای مهم و در خور توجه است که باید از سوی دولت‌ها و سایر نهادهای دولتی و مدنی و سایر متولیان امور کودکان مورد حمایت ویژه قرار گیرد.

روز جهانی کودکان تنها برای جشن گرفتن و شادی کودکان نیست، بلکه هدف از نامگذاری و برنامه‌های آن آگاهی بخشی به کسانی است که در سراسر جهان خشونت را در قالب سوء استفاده، استثمار و تبعیض تجربه کرده‌اند یا آن را به وجود آورده‌اند. در برخی کشوها کودکان به عنوان کارگر مورد استفاده قرار می‌گیرند یا مشغول درگیری‌های مسلحانه و زندگی در خیابان‌ها هستند. در حال حاضر، بیش از ۱۵۳ میلیون کودک بین ۵ تا ۱۴ سال وجود دارند که مجبور به کار کردن هستند.

کودکان، برکت زندگی و سرمایه‌های آینده جامعه به شمار می‌آیند. آنان برای رشد و بالندگی خود، نیازها و در مفهوم دقیق‌تر حقوقی دارند که باید به درستی به آن پرداخت. با توجه به نقش بی بدیل خانواده در بالندگی شخصیت کودک، پیش از همه، خانواده و سپس جامعه باید این حقوق را به خوبی بشناسند و خود را مکلف به پاس داشت آن بدانند. روز جهانی کودک بهانه‌ای برای ورود به جهان کودکان است؛ برای ورود به این جهان باید آگاهی‌های خود را فراموش کنیم و با ناآگاهی‌های کودکانمان همراه شویم. «آینده» را انسان‌هایی می‌سازند که «امروز» کودک‌اند، کودکان ما «امروز» نیاز دارند که خوب زندگی کنند و به حقوق‌شان برسند.

روایت‌هایی جذاب از زندگی یک طلبه مبارز و خستگی‌ناپذیر

چاپ چهارم کتاب «از دامن مادر»؛ روایت‌هایی از زندگی روحانی شهید سیدمهدی اسلامی‌خواه، نوشته محمد حکم‌آبادی به همت انتشارات «راه یار» منتشر و روانه بازار نشر شد.

بنا بر این گزارش، در بخشی از مقدمه این کتاب که تحقیق‌وتدوین آن از دی ماه سال گذشته شروع شده بود، چنین آمده است: «طلبه، طالب بودن است و طلبه‌های واقعی، طالب لقای حق‌اند. مقصود طلبه پرواز است و به قول شهید آوینی، «اگر مقصود، پرواز است، قفس ویران، بهتر». طلبه به دنبال وظیفه می‌رود؛ حتی اگر فرسخ‌ها فاصله باشد. او عاشق خداست و به تبع، عاشق پدر و مادرش که دریچه فیض خدا هستند و چه زیباست انعکاس این عاشقی.

آنچه پیش روست، روایت‌هایی است از دامن مادر تا معراج شهادت سید مهدی اسلامی‌خواه: طلبه‌ای مبارز و خستگی‌ناپذیر که به فرموده قرآنِ کریم، از شمار «مَنْ یَخْرُجْ مِنْ بَیْتِهِ مُهاجِراً إِلَى اللهِ وَ رَسُولِهِ ثُمَّ یُدْرِکْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ» بود و برای تحصیلِ و تبلیغ، فرسخ‌ها و مدت‌ها از خانه‌اش دور می‌شد. آشنایی با افرادی، چون سیدعلی اندرزگو، در نگاه و مشی سیاسی سید مهدی تأثیر فراوانی گذاشت. شب و روزش در تب‌وتاب انقلاب می‌گذشت. فشار ساواکی‌ها گرچه او را از جوار حضرت معصومه (س) دور کرد، اما نتوانست خوی مبارزه با ظلم و طاغوت را از جانش جدا کند. تا پیروزی انقلاب، یک دم از مبارزه دست برنداشت و در دست خالی گذاشتن مأموران رژیم خبره شده بود.

آمدن امام خمینی(ره) آغاز دوره جدیدی از فعالیت‌های سیدمهدی بود. او چه در ارتش، چه در جهاد و چه در حوزه علمیه، تأثیر زیادی روی اطرافیانش، به ویژه جوان‌ها گذاشت. پای کار تمام میدان‌ها بود و رفتارش مصداق عینی حدیث «کونوا دعاۀ النّاس بغیر السنتکم». وقتی برگشت روستای مادری‌اش، اِستیر، مسجد امام صادق(ع) را که مدت‌ها بسته بود، رونق داد و کرد پایگاه انقلاب. روستایی که در دهه شصت دویست خانوار بیشتر نداشت، ۳۱ شهید تقدیم اسلام کرد که بیشتر تربیت شده و بزرگ شده مسجد امام صادق (ع) بودند.

شهادت سید مهدی تغییر زیادی در حال‌وهوای جوانان روستا ایجاد کرد. او دومین شهید روستاست که آرامگاهش کم‌کم به مسجد وصل شد و اکنون مراسم‌های مختلف روستا آنجا برگزار می‌شود.»

شهید سیدمهدی اسلامی‌خواه چهاردهم آذر ۱۳۶۰ در بستان، بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. بخشی از این کتاب را در ادامه می‌خوانید.

«رفته بود نماز بخواند. به خانه که برگشت، آستین‌ها را زد بالا و پای لگن مسی توی حیاط کنار مادرش نشست. مادرش گفت: «پاشو پاشو. این کارها رو نکن. پسر بزرگ نکردم که بشینه وردل من رخت بشوره. الان یکی بیاد ببینه آخوند روستا داره رخت می‌شوره، چی فکر می‌کنه؟!» سیدمهدی ول‌کن نبود و تا آخرین تکه، رخت‌ها را کنار مادرش شست. همه کار کمک مادرش می‌کرد: از گردگیری و سبزی پاک‌کردن گرفته تا آشپزی. میل و قلاب دستش می‌گرفت و به خواهرش بافندگی یاد می‌داد. با همان دست‌هایی که گره در کار رژیم می‌انداخت، گوشه پارچه گره‌های محکمی زد و با آن‌ها یک جانماز درست کرد. مادرش رو به قبله، منتظر اذان نشسته بود. سید مهدی رفت کنارش. جانماز دست‌ساز سفی ساده‌ای را جلو آورد و به مادرش هدیه داد. مادر همان‌جا پهنش کرد. آن جانماز با هر جانماز دیگری برای مادر فرق داشت.»

بنابرین گزارش، چاپ چهارم کتاب ۱۸۴صفحه‌ای «از دامن مادر» با قیمت ۳۲هزار تومان و شمارگان ۱۰۰۰ نسخه توسط انتشارات «راه یار» منتشر شده است و علاقمندان جهت تهیه این کتاب‌ها علاوه بر کتاب‌فروشی‌ها می‌توانند به صفحات مجازی این ناشر به نشانی @raheyarpub و یا سایت vaketab.ir مراجعه کنند.

گزارش

تقدیر فارسی‌زبانان از خدمات «قزوه»

محفل ادبی با موضوع امام رضا علیه‌السلام در شعر شاعران فارسی زبان به شکل مجازی در گروه هندیران برگزار شد.

در این برنامه که شاعران برجسته‌ای از ایران، هند، پاکستان و... حضور داشتند با تقدیم اشعار رضوی خود به امام رضا علیه‌السلام، عرض ارادت خود را به این امام همام نشان دادند.

هم‌چنین در حاشیه این محفل ادبی، اساتید، شاعران و هنرمندان فارسی زبان جهان از خدمات «علیرضا قزوه» در طول مدت ماموریتش در کشور هند تقدیر کردند.

در این برنامه شاعرانی چون ولی‌الله کلامی زنجانی، رضا اسماعیلی، عبدالرحیم سعیدی‌راد، مصطفی محدثی خراسانی، مصطفی امیدی، محمدحسین انصاری‌نژاد، محمدمهدی عبداللهی، جواد عسگری، غلامرضا کافی، علی هوشمند، علیرضا حکمتی، نغمه مستشارنظامی، مرضیه فرمانی، وحیده افضلی، فاطمه نانی‌زاد، حمیده پارسافر، فاطمه ناظری و... و سیده فاطمه بلقیس حسینی، سید نقی عباس کیفی از هند، مهدی باقر خان از دهلی هند، فاطمه صغری زیدی از دهلی هندعباس، عبدالقانی، سرویش تریپاتی هند، عمادالدین ربانی از هند و... حضور داشتند.

در ادامه چهره‌های حاضر در این مراسم درباره فعالیت علیرضا قزوه مواردی را مطرح کردند:

عبداللهی: قزوه به معنی تمام کلمه آتش به اختیار است

محمدمهدی عبداللهی از شاعران کشورمان گفت: خبر خوبی که در حلول ماه ربیع الأول شنیدیم بازگشت علی رضا قزوه به میهن عزیزمان ایران بود که بعد از اتمام ماموریت درخشان و سرشار از خیر و برکتشان در سرزمین هند بود. انصافا او پل ارتباطی خوبی را بین شاعران ایران، هند، پاکستان، تاجیکستان، افغانستان و ... ایجاد کرده است.

وی افزود: علی‌رضا قزوه شاعری دغدغه‌مند، انقلابی، صاف و صمیمی، مثل شعرهایش زلال و همچنین به معنی تمام کلمه آتش به اختیار است.

مستشار نظامی: علیرضا قزوه حاضرترین و پای کارترین ادیب انقلاب اسلامی است

نغمه مستشارنظامی هم در بخش دیگر درباره قزوه گفت: اگر بگوییم علیرضا قزوه حاضرترین و پای کارترین ادیب انقلاب اسلامی است که بیش از چهل سال است قلمش را جز در راه عشق به ایران و زبان فارسی بر لوح دل نگذاشته گزافه نگفته‌ایم. شاعری که هم همپای لحظه‌های سخت مردم بوده و هم با شادی‌هایشان از ته دل شاد شده. قزوه نه تنها یک شاعر که ادیبی است تمام عیار، چه بسیار دل‌های شکسته و تنها که با سفرنامه‌هایش به سفر رفته‌اند و چه فراوان کسانی که با خواندن «برادر انگلستان» با قطار خاطرات کهن دژ همسفر شده‌اند. قزوه چمدان‌های قدیمی‌اش را پر از سوغات مهربانی می‌کند و به بشاگرد می‌رود تا به بچه‌ها الفبای مهربانی بیاموزد. به هند می‌رود تا احیاگر شعر فارسی باشد در دیار بیدل، به دوشنبه می‌رود تا موسیقی تاجیکی را با غزل‌هایش زندگی بخشد و در همه این احوال در همه جا هست، در این دوسال اخیر هرگز حس نکردیم که استاد ما را رها کرده و به دیار هند رفته، او در لحظه لحظه غم و شادی تک تک ما حاضر بود. مستشار نظامی در پایان خاطرنشان کرد: علیرضا قزوه چه در ایران باشد و چه در هند و تاجیکستان، حاضرترین شاعر لحظه‌های انقلاب است.

اسماعیلی: قزوه، اهل مصلحت اندیشی نیست

در بخش دیگر رضا اسماعیلی از شاعران کشورمان گفت: قزوه شاعری اهل درد است و دغدغه‌های انسانی ارجمندی دارد. به دنبال آرمان شهری است که در آن انسان‌ها در سایه سار «بندگی خدا»، آزاد و سربلند زندگی کنند. از همین رو تمام زندگی‌اش را وقف تعالی فرهنگ انقلاب کرده است، فرهنگی که طلایه دار «آزادی و بیداری» است. او شاعر مردم است و شعرش از جنس «آب و خرد و روشنی». پیشانی نوشتش «شاعر انقلاب» است، ولی با همه شاعران -از همه نحله‌ها و طیف‌ها– آمد و شد و نشست و برخاست دارد.وی تاکید کرد: قزوه مردمدار است. با هر که نان و نمک برادری خورده باشد، در دوستی برایش سنگ تمام می‌گذارد. سنگ صبور همه شاعران است. بسیاری از شاعران سفره دل شان را تنها و تنها در خانه مهربانی او پهن می‌کنند. خوش فکر و خلاق و جسور است. انقلابی تصمیم می‌گیرد و انقلابی عمل می‌کند. خط شکن است.به گفته اسماعیلی، قزوه، اهل مصلحت اندیشی نیست. از این که از آبرو و اعتبارش برای اسلام و انقلاب مایه بگذارد ترسی ندارد. به همین خاطر از چپ و راست زخم می‌خورد.

عسگری: دلمان برای قلب تپنده ادبیات فارسی هند تنگ می‌شود

جواد عسگری از هند هم دیگر شاعری بود که درباره فعالیت‌های قزوه گفت: نمی‌دانم چطور و از کجا شروع کنم. بگذارید خودمانی حرف بزنم مثل خود استاد قزوه. مردی که هیچ وقت دیپلمات نبود. مردی که خود انقلاب است. هرجا که باشد در هر حالی ذکر و فکرش تحول است. هیچ وقت به وضع موجود راضی نیست و دنبال تکامل است. وی تصریح کرد: مسئولین زیادی آمدند و رفتند و خواهند آمد اما هیچ کس قزوه نشد و شاید نخواهد شد. او اگر بخواهد فرش را به عرش می‌رساند. همه مرثیه ادبیات فارسی را در هندوستان خواندند اما استاد دنبال راه حل بود. به آب و آتش زد. دم هزاران ادیب نما را دید. برای زبان فارسی به هر کس و ناکسی رو زد. انجمن ادبی بیدل، احیای قند پارسی، گروه‌های مجازی، دور هم جمع کردن هر کسی که از کنار فارسی رد شد. عسگری گفت: اما این دو سال دیدم استاد زجر کشید. تنها و دستان خالی و بدتر بیماریِ کرونا. کاش می‌شد استاد هند می‌ماند و حتماً اتفاق‌های بهتری برای ادب فارسی رخ می‌داد. دلمان برای قلب تپنده ادبیات فارسی هند تنگ می‌شود.